

تعلیمنامه خدمات و اخلاق اردو

آ- احکامات

۱- دسپلین

- ۱- تامین سعادت و سلامت و استقلال وطن و ملت و حفاظت حکومت تنها بواسطه یک اردوئیکه دارای دسپلین مکمل باشد امکان دارد.
- جهت تاسیس دسپلین در اردو لازم است که تمام منسوبین مسئولیت وجدانی را حس نموده بایک اطاعت مطلق و صادقانه ایفای وظیفه نمایند و علاوه بر این باید که در ایفای هر خدمت به بسیار دقت و خواهش الی تفرعات خورد آن صرف مساعی نموده و در دعاغشان محبت وطن حکومت، ملت و مسلک و وظیفه جا داده شود اینها وظایف نخستین هر آمر است.
- ۲- برای تامین یک دسپلین مکمل و درست لازمست که در بین آمر و مادیون حس شفقت و احترام مقابل پرورانیده شود.
- دسپلینی که اینطور نباشد سهلک و در زمانهای بحران آلودشیرازه آن خیلی بزودی از هم گسسته ناگامی و فلاکت را تولید مینماید.
- ۳- هر آمری که خرابی وضعف دسپلین را حس کند ولو که خیلی اندک هم باشد مجبور است که در حال اسباب

مادی و معنوی آنرا جستجو و ازاله و عنداللزوم جهت حفظ و تامین آن بچاره های شدید توصل و ورزیده صلاحیت قانونی خود را کاملاً استعمال نمایند .

۳-وظایف مادون

۴-اطاعت مطلق را که مسلک اقتضا میدارد مشروط برینست که هر مادون از صمیم قلب آن را اجرا نماید باید اطاعت علاوه از خوف صلاحیت قانونی ما فوق و یا امر در هر زمان و مکان بحسن محبت و اعتماد مادون در مقابل رتبه، مقام و شخص ما فوق از تمام حال و حرکات آن ظاهر بوده بچشم دیده شود و از نظر مادون بسدرخشد تلقین این حس اعتماد و محبت نیز از وظایف اساسی آمر و مافوق میباشد .

۵-لازم است که هر مادون به تزئینات و معلومات و تجربه آمران خود و بخدمات زیاد آنها که برای اردوی مملکت نموده اند اعتماد نماید و مطمئن باشند که ما فوق شان همیشه در حق آنها نیک بین بوده آنها را حمایه مینمایند این چیزها اساس روح اطاعت را تشکیل میدارند .

۶-هر مادون که بنابر کدام امور رسمی و یا شخصیه با یک آمر مافوق خود آمیزش و مناسبت پیدا کند مجبور است که در هر زمان تماماً با اصولها و تربیه عسکری رعایت کار بوده و به آنها یک احترام عالی داشته باشد .

۷-هر عسکر باید بداند که استعمال الفاظیکه بشرف و حیثیت شخصی و عسکری آمرها نقیصه وارد نماید در هر جا که باشد با آنها منازعه نمودن (لسانی و عملی) شخصیتها

(۳۰)

شان را خوار و حقیر دیدن و تشبث نمودن به این چیزها
اطوار خیلی خراب و همچنان گاهی بروح دسپلین اردو
موافق نبوده هیچ یکزمان بدون جزا گذاشته نخواهد شد.
۸- مادون مکلف میباشد که هر امر آمر مافوق را
بصرف تمام قوه خویش و آرزوی قلبی بوقت آن اجرا نماید
علاوه برین هر مادون مدیون میباشد که خواه درحین
وظیفه و خواه خارج آن همراهی آمران خویش معاونت بدارد.
۹- مادونان همیشه در نزد مافوقان خود متوجه بوده
برای اجرای او امریکه جهت یک خدمت میدهند اما ده گمی
خود را در اجرای آنها باید طوری نشان بدهند که به
نگاههای خواهشمندانه بچشمان آمر خویش بینند.
۱۰- مادون یک امریکه میگیرد درخصوص آن بیان
مطالعه کردنش به آمر قطعاً ممنوع است. امریکه گرفته
شود بدون قید و شرط و بدون هیچ فکر و تامل باید اجرا
کرده شود درحین گرفتن یک امر و یا بعد از اخذ آن
بالمقابل اینطور یک حال و حرکت ظاهر ساختن که درست
نبودن امر مذکور را نشان بدهد مستلزم جزا میباشد.
۱۱- برای اینکه مادون در وقت لزوم مقام آمر خویش
را اشغال کرده بتواند باید در یاد گرفتن وظیفه آن خیلی
کوشش نماید.
اصلاً چون جهت ترفیع نمودن بیک رتبه بلند دارا
بودن اوصاف و شروط همان رتبه بلند اساس میباشد لهذا
مادون هر قدر بیشتر به اوصاف و شروط فوق موافق شود
بهمان اندازه امنیت و اعتماد آمر خود را بیشتر حاصل

(۳۱)

نموده و بدون تاخیر برتبه ها و مقامهای بلندتر ترفیع
مینماید .

۱۲- جائز نیست که مادیونان مافوقان خود ها را
اسماً خطاب نمایند. عنداللزوم (سپه سالار صاحب قوماندان
صاحب، فرقه مشر صاحب، رئیس صاحب، غنم مشر صاحب،
کنندگ مشر صاحب و تو لیمشر صاحب گفته خطاب مینمایند .
و یکسانیکه دارای رتبه ضابطی نباشند تعبیر صاحب باید
استعمال کرده شود .

وظایف آمر

۱۳- آمر از مادیون خویش خواستن و انتظار کشیدن یک
اطاعت مطلقه را ذیحق مینماید لکن بالمقابل آن مکلفست
که شرف و حیثیت و تندرستی آنها را مد نظر قرار بدهد .

۱۴- آمر به مادیونها نیکه با و تشریک مساعی دارند بایست
همیشه نیک بین بوده موافق و مطابق قانون و نظامها و بصورت
مساویانه معامله و رفتار نماید لکن این فکر حمایه و حسن
نیت باید به هیچ صورت سبب جدا شدن آمر از قانون و
نظام و امرها نگردد .

۱۵- آمر تنها ذریعه معلومات ، حسن اخلاق و حرکات
عادلانه که خارج شیرازه قانون و صلاحیت نباشد اعتماد
مادیون خویش را کماهی کرده میتواند . خواه این اعتماد
به مادیون تجلی کند و خواه از طرف مادیون تزییق شود
و در هر دو صورت برای تماماً اجرا گردیدن خدمت و وظیفه ها
از جمله مهمترین شرطها بشمار میرود .

۱۶- غیرت و صداقت بوظیفه اطاعت و پابندی بقانون، ابراز نفوذ و طور آمریت حفظ وقار و حیثیت کوشش مندی متوجه بودن بقیا فیه خویش و در هر کار نمونه امثال شدن جهت مادونان از اوصاف آمریت میباشد اینست یگانه راه قطعی که مادون را بکمال موفقیت میرساند .

۱۷- گرچه رتبه ضابطان صنف معاونه مامورین عسکری از قوماندان جزو تائیکه آنها تحت امرش میباشد بزرگ باشد با آنها به اجرای امر قوماندان مجبور میباشد. با وجود آن قوماندانها نیز مجبورند که به آنها به اعتبار رتبه های شان احترام لازمه نشان بدهد .

۱۸- در حین وظیفه باید آمران با مادون خویش همیشه مناسبات جدی داشته باشند مناسبات و ملاقاتهای خارج وظیفه شان هم باید صمیمی و از دل باشد با اینهم بدرجه من و تونرمد قاحسن اطاعت و حرمت را خراب ننماید .

۱۹- آمران وقتیکه بمادونان شان وظیفه میدهند باید احوال خصوصیه و فعالیت و مقاومت آنها را بکار

پسنجد .

۲۰- آمرین همچنانیکه مادونان شان را بمناسب و عنوانهای شان صدا نموده میتواند جهت تزئید صمیمیت و محبت بنا مهای نژادی شان هم صدا کرده میتوانند .
(مانند توریالی بلو کشر و پبتون تولیمشر) .

۲۱- آمرین بدون وقوع مجبورت شدید بکار های مادونان که داخل صلاحیت خود آنهاست مداخله ننمایند مداخله بی لزوم حس محبت و اعتماد مادون را بمقابل

(۲۳)

ما فوق متزلزل نموده قوه تشبث شان را تنقیص و استعداد تکمیل شان را محو مینماید. تنها در حالیکه مادیان صلاحیت خود را استعمال نموده نتوانند و از شیرازه خود خارج و یا بخارج شدن حکم شود آنوقت حق و وظیفه آمرست که بکار مداخله و آنرا تنظیم و به احوال موافق سازد.

۲۲- باید آمرین بروح افراد معیت خود ها حاکم بوده جهت موفقیت شان بکار های رسمی و خصوصی آنها باید حتی الامکان معاونت بنماید حقوق شان را و قایه و بایک حس صمیمیت پدران و مثل یک برادر بزرگ باید با آنها هر نوع کمک بدارد.

قوماندانهای تولیها و غیره جزو تاسمهای خورد تر و معادل آنها افراد معیت شان را باید اسماً و شخصاً شناخته و از احوال خصوصیه گذاره و وضعیت خانگیش معلومات داشته باشند.

۲۳- هر آمریکه بی تاثیر و لاجرا مانند توصیه و تنبیهاتیرا که نسبت به امور رسمی و به ترتیب داده شده بیند و خصوصاً اگر در وظیفه لایقیدی و اعمال را احس کند مجبور است که فوراً صلاحیت قانونی خویش را استعمال نموده مادیانهای خویش را براه آرد.

۲۴- در صورتیکه اظهار به رای نمودن و قناعت حاصل کردن متعلق به بعضی ها باشد چون مسئولیت به صاحبان قناعت دهندگان رای عائد میباشد (مانند هیئت های خریداری و معاينه و غیره) درین صورت آمرین به هیچ صورت

(۳۴)

اظهار نظریه کرده و یا امر داده نمیتواند . که فکر من چنین است و یا آنطور باشد .

۲۵- آمرین باید جنس و مقدار جزائیرا که لزوماً حکم میدارد تنها بقباحث و بی‌راهی مادون اندازه نکرده بلکه حالت روحی و استعداد فطری و اعتیاد آنرا به اطاعت نظام و انتظامات مدنظر گرفته حساب و تعیین نماید و این کار بمهارت آمرین تعلق دارد .

۲۶- برای اینکه جزاومکافات موثر واقع شود همیشه عادلانه و در وقت آن اجرا گردد .

۲۷- امرهائیکه خواه ذریعه طرم و دیگر اشارات و خواه شفاهی و تحریری داده شود بهمه حال باید خیلی دقت شود که در وقتش اجرا گردد . و اگر در اجرای آنها تاخیر واقع شود قطعاً عفو نمیشود . وظیفه اولین هر امر است که معیت خود را بحب و وظیفه و تام در وقتش به اجرای آن عادت بدهد .

۲۸- برای اینکه امر وظیفه های خود را بخوبی ایفا و در قرار خود مستقل و به اجرای صلاحیت خود بمقابل مادونان آزاد بماند باید طوری حرکت نماید که خود را بمقابل ما فوق و مادون خویش به منت و مجبوریت‌های خصوصی و شخصی داخل نسازد . بنابراین از مادونش پول قرض نگرفته و هدیه آنرا قبول نکند و یک طلبیکه منفعت خصوصی از آن تامین شود نه نماید .

۲۹- آمرین باید بهر قسم زحمت و محرومیت‌های افراد معیت خود اشتراک نماید و بداند که درحین ظهور یک

(۳۵)

رفاهیت و سهولت برای استفاده از آن نفس خود را آخر کشیدن و در وقت ظهور یک مشکل و سختی خود را مقدم نمودن یک وظیفه با شرافت میباشد.

۳۰ - آمرینیکه در یک منطقه عسکری میباشند در عیدها بقتله ها رفته با افراد عید مبارکی میکنند چه در اعیاد و چه در فرصتهای مناسب بالذات بشفاخانه رفته و یا بوکالت خویش یکنفر دیگر را فرستاده حال واحوال ضابطان و افرادی را که مریض میباشند میپرسند بالخاصه قوماندانان تولیها اینگونه زیارتها را بالذات باید بنمایند. این زیارتها در قلب عسکر یک حس محبت عمیق گذاشته و بمقابل آمرین اعتمادی را که میپروانند تزئید میدارد.

۴- امر

۳۱- آمر ناظم هر گونه وظایف و خدمات عسکری میباشد لازم است که امر به یونیفورم (لباس) عسکری داده شود اگر یک آمر یونیفورم عسکری نداشته امر بدهد کسی نیکه او را میشناسند مجبورند که او امر مذکور را اجرا نمایند هر گاه آمرین بدون یونیفورم عسکری بوده و از طرف مادونان شناخته نشوند وهم لزوم امر دادن را مشاهده کنند بتوسط هویت خویش باید خود را معرفی نمایند. درینصورت او امر مذکور از طرف مادونان اجرا کرده میشود (آمرینیکه بموجب قانون در محل امر داده باشند).

۳۲- آمریکه نظر به ایجاب حال و وضعیت در دادن امر از اصول تابعیت سلسله مقامها جدا شده مجبوراً بمقام و درجه

ما دون و پایا تر از آن امر بدهد. اگر ممکن شود فوراً باید بسلسله های مراتب معلومات بدهد. مادونیکه اینچنین امر را میگیرد آنرا اجرا و در صورت امکان فوراً و الا بعد از حصول امکان امر خویش را از کیفیت اطلاع میدهد.

۳۳- امرها باید واضح، کوتاه و صریح باشد و امریکه امر میدهد راجع به داناندن آن و دانستن ما دون تناعت داشته باشد تنها امر برای ایفای یک وظیفه و یا خدمت کفایت نمیکند بلکه وظیفه هر امر است که امر مذکور را تعقیب و کاملاً ایفای آنرا تأمین نماید عندالایجاب بقسم واضح بدانند که کدام وقت اجرای امر مذکور لازم و بچه طرز اجرا شود.

باید امر در تعیین و تحدید اینوقت مدتی و زمان راتنگ نگیرد که وظیفه کاملاً بدون اجرا و ناتمام ماند.

۳۴- او امریکه داده میشود از طرف امر دهنده بدون یک مجبوری قطعاً باید تبدیل گردد لذا از جهت مجبور نشدن به آن لازم است که در حین دادن امر قابلیت اجرا و تطبیق آنرا سنجیده و حساب نماید تبدیل او امر تردد افکار را نشان میدهد آنهم اعتماد را خراب نموده ما دون را بکفالت و سستی سوق میدهد لیکن حینیکه برای تبدیل امر اسباب مهمه ظاهر شود در تبدیل نکردن آن اصرار نباید کرد.

۳۵- امرها ماهیت خدمت و آن شرایطیکه در حین اعطای امر موجود باشد و به ایجاب تعلیمنامه هائیکه بخدمت تعلق میگیرد تابع بوده شفاهاً و یا تحریر آداده میشود برای رفع غلطیها و خطایا او امر طویل و مخلوط در احوال ممکنه باید

بصورت تحریری اعطا و یا باید از طرف ما دون نوت کرده شود تقدیر نمودن اینکه امر بصورت تحریری و یا شفاهی داده شود متعلق به امر است مقصد از تکرار امر تأمین قناعت ما دون و اجرای تمام آن میباشد بناءً آ علیه هر ما دونیکه شفاهاً امر میگیرد باید اصولاً خود بخود امر مذکور را تکرار نماید در صورت لزوم و حتی الامکان نوت گردیدن امر از طرف ما دون مفیدتر است تکرار نمودن او امر کوتاه که بماهیت خطاب میباشد لزوم ندارد. با وجود آن نظریه تقاضای امر آنچنان او امر نیز باید تکرار کرده شود.

۳۶- او امر لازم است که متعلق بخدمت بوده قانون و نظامات را اخلاصاً ننماید (نظامنامه خدمات داخله اردو ماده ۱۵۹۸) ما دون امری را که میگیرد (به استثنای احوالیکه بماده ۱۰ فقره ب نظامنامه جزای عسکری ذکر شده) گر چه بقانون و نظام موافق نباشد نیز آنرا اجرا و بعد از آن شکایت نماید.

اگر امر امری بدهد که به احوال ماده ۱۰ فقره ب نظامنامه جزای عسکری متعلق باشد امر مذکور ایفا نگردیده بدون ضیاع وقت از راه کوتاه تر به امریکدرجه ما فوق اطلاع داده میشود در حال اجرای امر تمام مسئولیتی که از اجراءات امر توپید گردد عائد بما دون میباشد.

۳۷- در احوالیکه یک فرماندان از مرکز خود جدا و یا از سبب یک معذرتیکه خدمت نموده نتواند از داخل نظام حرب، آن ما دون خود را که از حیث رتبه و قدم بخودش قریبتر باشد و کیل گذاشته باشخاص ذیعلاقه معلومات

(۳۸)

میدهد در احوال مستثنا که تعیین و کیل امسکان نداشته باشد شخصیکه نظر بر تبه و قدم نزدیکتر است فوراً بدون انتظار یک امر، قومانده را بدست میگیرد. اینچنین احوال با امباب موجب آن به امر بزرگیکه در جزوتام است اطلاع میگردد اگر وقت و کالت طول بکشد شخصیکه از طرف مقام صلاحیتدار بمقام امر و قومانده تنصیب و امر گردد میآید امور و کالت بموسسه ها از طرف مقاماتیکه موسسات مذکور بآنها مربوط است تنظیم و امر کرده میشود.

۵- امر یومی

۳۸- قوماندانان غندها و یا جزوتامهای خورد ترازین و یا قوماندانهای گار نیز و آنها و آمرین مؤسسات جهت تأمین انتظام خدمات داخلیه و تمام وظایف و رفتار بداخل دیسپلین و از الة هر گونه بی راهی و نقصانات که در امور دیده میشود هر روز یک (امر یومی) میدهد .
عندالایجاب بداخل امر یومی مواد عمومی در خصوص پیشبرد امریکه اجرای آن لازم میشود نیز تحریر شده میتواند .

۳۹- مقامات بلندتر از غندها که امر یومی میدهند امر مذکور را-الی تعداد جزوتامهای خوردیکه در اجرای امر موصوف* موظفند ترتیب و میفرستند .
۴- غندها و کندکهای مستقل و مفرزه او امر یومی را که از مقامهای بلند میگیرند از خود دانسته اگر در بین آنها موادی باشد که تبلیغ آن عیناً بر مقامهای پائینتر لزوم داشته باشد تبلیغ میدارند .

دیگر های آنها را برای او امر یومی خویش اساس اتخاذ نموده تبلیغ نمایند در صورتیکه برای خود دیگر او امر و سنجشها داشته باشند دیگر مواد آن را علاوه نموده نظر به تعداد جزو تاسهای خورد تریکه تحت امر شان میباشد امر یومی بصورت تحریری حاضر و میفرستند .

۴۱- غندها و کندکهای مستقل و مغرزه و مؤسسات مانند اینها او امر یومی را ساعت ۱۴ میدهد .

درینوقت ضابطان امر کندکها که بداخل جزو تاس غند میباشدند (اگر ضابطان امر نباشند در احوال مهم قومانندان کندک را که تعیین نموده و یا ضابطان را که جهت شان نومه وضع کرده و در احوال عادی دلگیمشتر نویسنده کندک اگر بغند بلوک طوب پیا ده و غیره جزو تاسهای مربوط باشند یک خورد ضابط ازین جزو تاسها مامور میشود) بقرارگاه غند (در کندکهای مستقل و مغرزه سرپر کمشران تولیها بمرکز کندک) میروند و امر میگیرند امر از طرف ضابط امر غند قرائت میشود و در خصوص نقطه هائیکه فهمیده نشود و یا احتمال غلط فهمیده شدن را داشته باشد به کسانی که امر میگیرند توضیح میگردد .

۴۲- در تولیها امر یومی را سرپر کمشران تولی بهر کدام ضابط تولی جدا جدا نشان میدهد که بخوانند هر ضابط بعد از خواندن در تحت امر امضاء می نماید بعد سرپر کمشر، آنرا بدوسیة مخصوصش ربط میدارد .

۴۳- قومانندان تولی از امر یومی موادی را که عیناً تبلیغ آن به افراد تولی لزوم داشته باشد بدقت

(۴۰)

او امر یومی تولى ثبت و در خصوص خدمت داخلى تولى
اگر يك گفتنى جداگانه داشته باشند آنرا نيز علاوه
میدارند .

این امر بعد از حاضرى شام از طرف ضابطه نوکریوال
تولى به پیشروى تمام افراد قرائت و فهمانیده میشود .

ب- امور ذاتیه

۱- مراجعتها

۴۴- اگر مراجعتها تحریرى باشد باید عرائض از روی
سنجش تحریر گردد تا بیهوده مقامات را مشغول نسازد
چیزیکه خواسته میشود باید مطابق عقل ، موافق قانون
و نظامات باشد . باید عرائض بدون ریاءیک لسان مؤدبانه
و حرمتکارانه بشکلیکه مقصد را واضح و کوتاه بداناند
و ساده تحریر شود باید مراجعتهاى شفاهى نیز موافق
قاعده باشد .

۴۵- آمرین هر نوع مراجعتهاى تحریرى و لسانى
مادونان شانرا با سکونت و حسن نیت شنیده و تدقیق نمایند
لذا آنها چیزهاى موافق را که بداخل صلاحیت شان باشد
خود فیصله و چیزهاى خارج اقتدار خود را عندالایجاب
با نظریه خودشان که در تحت آن مینویسند بمقام بزرگتر
میفرستند .

۴۶- ضابطان و مامورین عسکرى و قتیکه به يك
ماموریت خصوصى و موقتاً تحت امر کدام آمر دیگریکه
راساً مربوط آن نبوده خدمت نمایند آمر موقت هر نوع

(۴۱)

مراجعاتی تجربی و شفاهی ایشا نرا قبول و معامله مینمایند و چیزها تیرا که از صلاحیت آن خارج باشد به امر اصلی مراجعت کنند معلومات میدهد .

۳ - شکایات

۴۷ - شکایات بالواسطه امر نخستین ، و بسلسله مراتب اجرا میگردد اگر از امر نخستین شکایت داشته باشد به امر یکمرتبه بلندتر مراجعت کرده میشود . (اگر یک بلو کمشر از بلو کمشران تولی خویش و یا ازضا بطان بزرگتر دیگر قطعات شکایت داشته باشند برای تولیمشر تولی خود و اگر از تولیمشر تولی خودش باشد بقومانندی کند اگر قومانندی کند شکایت شود توسط تولیمشر خود بقومانندان غند . . الخ مراجعت نمایند .)

افراد شکایات شانرا بواسطه دلگیمشر به تولیمشر خود مینمایند اگر از دلگیمشر خویش شاکی گردند راساً بواسطه سرپر کمشر شکایت میدارند .

۴۸ - در دوائر و قرارگاهها ، مکاتب عسکری و موسسات شکایات بدائرة صلاحیتهای قانونی مدیران دوائر و یاروسا بعین طرز اجرا میگردد .

۴۹ - آمرانیکه اختیارات فیصله نمودن شکایات را دارند بالذات آنرا نتیجه میدهد شکایاتیکه بقرار واحکام آمرین بزرگتر تعلق داشته باشد به آنها اطلاع میدهند و حکم قرارهائی را که از مقام بلند حاصل می نمایند بشکایت کننده تبلیغ میدارند .

(۴۲)

۵- مقامات عسکری شکایت های افراد را که نسبت به مامورین و اشخاص ملکی داشته باشند تحقیق نموده بعد از آن بمرجع آن ارسال و اجراءات مقام مذکور اخذ و به شکایت کننده معلومات داده میشود .
شکایات ضابطان و مامورین عسکری نیز بعین شکل اجرا کرده می شود .

۵۱- در حضور ما فوق از خود شکایت نمودن ممنوع است در هر جا بیان شکایت از امر و کار را بمباحثه دور دادن نیز مستلزم جزا است .

۵۲- اعتراض بقرار مقامات عسکری و تمیز خواهی نظر به اصول و قانون محاکم عسکری اجرا کرده میشود .

۵۳- شکایت کنندگان بیکه به اجراءات و قرار امرین خویش به نسبت شکایت خود راضی نشوند اصولاً بمقامهای بلندتر مراجعت نموده می توانند .

۵۴- اشخاصیکه نظر به ترتیب معینه نوکریوال باشند اگر شکایت هائی که از فرا رسیدن و یا انضباط و نوبت داشته باشند بسلسله نوکری بضابط نوکریوال کندک و یا به امر نوکریوال غنم می نمایند و آخر الذکر هم بنوبت خویش به قواعد متذکره مراعات می نماید .

۳- مکافات

۵۵- مکافات بزرگترین منسوبین اردوی افغان اینست که در جزو تا مها و یا بوظایفیکه مامور میگرددند به اعتبار علم اخلاق درخشان ، محبت و اعتماد امر و ما فوق خود را

(۴۲)

کماثری نموده و بدین وسیله نوت و یا سجل خوب گرفته در راه ترفیع بدون توقف ابراز موفقیت نمایند .
۵۶ - هر امر غیرت و موفقیت‌های معیت خویش را همیشه بیک صورت مشفق و بیطرفانه تدقیق و تعقیب نموده و آنها را باید جهت تحصیل حق و منفعت مکافات مادی بقانون و نظامات موجوده دلالت نماید و برای مکافات معنوی فرصت‌های ترغیب و تحسینی را که حق‌شان می‌باشد به‌صورت عرض به ما فوقان و تقدیر ذریعۀ تعمیمها از دست ندهد بآنهم هر کس مکلفست تا وظائفی را که بخودش تودیع میشود خیلی خوب و مکملاً بوقتش ایفا نماید بنا بران (وظیفه خویش را اجرا نموده و بوقتش ایفا کرده باشد) گفته توزیع مکافات افراد در تلافیف می‌باشد و اینچنین معاملات حسن و فکر ایفای وظیفه در بدل مکافات را به اردو تزریق نموده و نتیجهٔ سوء میدهد .

۵۷- برای اینکه صاحبان وظیفه مستحق تلافیف شده بتوانند وظائفی را که اجرای آن بوقتش بوجه احسن شرط است بسیار خوب و تمام بوقت آن طوریکه بمقابل مشکلات قوت و قدرت ما فوق الطاقه صرف نموده بدون خوف و جسورانه بیک شکل درخشانی که هر کس را و اله و حیران سازد ایفا و اتمام نماید این اساس بطور مقیاس عمومی بوده مکافاتیکه تنها در داخل این اجرا گردد همیشه موثر و تشویق دهنده میباشد .

۵۸- نظر به نظامت منامهٔ انعامات اردو مکافات و انعامات ضابطان و افراد به اصول آتی اعطا میگردد :

(آ) ضابطانیکه مکافات مادی میگیرند همین مکافاتشان